

رسائل عبد القادر گیلانی

شیخ عبد القادر گیلانی
(۴۷۰-۵۶۱)

ترجمہ: حیدر شجاعی

مقدمہ و ویرایش: مریم بانو بردبار

• رسالۃ فی الأسماء العظیمہ للطریق الی اللہ

• رسالہ ی نوریہ

• رسالہ ی غوثیہ

• حلاج نامہ



انصار مولا

سرشناسه: عبدالقادر گیلانی، عبدالقادر بن ابی صالح، ۶۹۱-۶۵۱ هجری
 عنوان و نام پدیدآور: رسائل عبدالقادر گیلانی، مقدمه و ترجمه و ویرایش: مریم بانو بردبار
 مشخصات نشر: تهران: مولی، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری: بستن و شلی، ۱۲ ص
 شابک: 978-600-339-005-8
 وضعیت فهرست نویسی: فبا
 یادداشت: جدول دیگر: سائل عبدالقادر گیلانی: سر - ترجمه: رساله هر رساله مقدمه نظریه ای اند، رساله وید
 رساله مؤلفه، علاج نامه
 یادداشت: نمایی
 عنوان دیگر: رسائل عبدالقادر گیلانی: سر - ترجمه: رساله هر رساله مقدمه نظریه ای اند، رساله وید
 رساله مؤلفه، علاج نامه

موضوع: علاج، طبیب، د. مصور، ۳۰۹-۳۰۶ ص. خط و حبر
 موضوع جدا: نام جدا: سائل عبدالقادر گیلانی
 موضوع: اندرونی، های عربی: سائل اندرونی باقر، ۱۲
 شناسه: الفونیکس، شجاعت، حبر، ۳۰۶-۳۰۹ ص
 شناسه: الفونیکس، د. مصور، د. مصور، مقدمه، سائل
 رده بندی: کنگره: ۱۳۹۳، ۳۰۶-۳۰۹ ص
 رده بندی: دبی: ۳۰۶-۳۰۹ ص
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۹۴۶۴



انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب - چهارراه ابوریحان - شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳ - شماره: ۶۶۴۰۰۷۹

www.molapub.com • Email: molapub@yahoo.com

رسائل عبدالقادر گیلانی

شیخ عبدالقادر گیلانی • ترجمه: حیدر شجاعی • مقدمه و ویرایش: مریم بانو بردبار

چاپ اول: ۱۳۹۳=۱۴۳۶ • ۱۱۰۰ نسخه • ۲۴۲/۱
 ۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۰۰۵-۸ ISBN: 978-600-339-005-8

حروفچینی: کوشش • لیتوگرافی و چاپ: ایران مصور • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



انتشارات مولی
 ۱۳۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

مقدمه

زندگی نامه شیخ عبدالقادر گیلانی

تولد و مولد

کنیه و القاب

کودکی

جوانی و سفر به بغداد

اساتید علوم ظاهر

تصوف و مشایخ طریقت

تربیت یافتگان

آثار قلمی

وفات

اخلاف و بازماندگان

باورها و دیدگاهها

کرامات منتسب به شیخ

اشاره

اسم اعظم

پاره‌ای سخنان شیخ

هفت - نوزده

هفت

هشت

نه

ده

یازده

دوازده

سیزده

چهارده

پانزده

(بیست و یک - بیست و شش)

بیست و دو

بیست و چهار

بیست و پنج

بیست و شش

بیست و هفت

بیست و هشت

بیست و نه

- رسالة في الأسماء العظيمة للطريق إلى الله [ترجمه]
رسالة نوريه [ترجمه]
رسالة غوثيه [ترجمه]
حاج نامه [ترجمه]
- ۲۸-۳
۳۵-۳۱
۴۷-۳۹
۵۳-۵۱

- رسالة في الأسماء العظيمة للطريق إلى الله [متن]
الرسالة نورية [متن]
الرسالة الغوثية [متن]
- ۷۳-۵۷
۸۰-۷۷
۹۰-۸۳

فهارس

- فهرست آیات
فهرست اعلام و اصطلاحات
- ۹۴-۹۱
۹۱
۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

زندگی نامه شیخ عبدالقادر گیلانی

حمد و سپاس پروردگاری را سزااست که عالم را به تابش انوار وجودی خویش هستی بخشید و هستی را به وجود قائمه‌های نور وجودی پیامبران جلوه داد، تا کائنات از تابش بیکرانیشان مستفیض گشته و آدمیان از جلوات خاص آنان جلوه یافتند، تا خاتم ایشان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله تابیدن گرفت و حمد و درود ازلی را نثار خویش نمود. که: **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** = خداوند و فرشتگانش بر پیغمبر درود می‌فرستند شما هم که مؤمنید بر وی درود فرستید و سلام دهید - سلام دادنی - ۵۶/احزاب»

شفیع مطاع نبی کریم	قسیم جسیم نسیم و بسیم ^۱
بلغ العلی بکاله	کنف الذی بجاله
حسنت جمیع خصاله	صلوا علیه و آله ^۲

(گلستان سعدی، مقدمه)

۱. او شفاعت‌کننده، فرمانروا، پیام‌آور، بخشنده، صاحب جمال، خوش‌اندام و دارای نشان پیامبری است.
۲. با کمال خویش به بالاترین مرتبه دست یازید و با جمال نورانی خویش تاریکی‌ها را زدود. همه صفات او زیباست. بر او و خاندانش درود فرستید.

و درود بیکران بر امیرمؤمنان، باب مدینه‌ی ختم نبوت و خاتم فصّ ولایت اصل المعالی و مولی الموالی العلیّ العالی - سلام الله علیه -

وصلّ علی اعلی علیّ غلا علی غلا کلّ عالی کامل فی الولاية

و بر خاندان طاهربین او خصوصاً بر سلیمان ملک شهود و قطب آسیای وجود، صاحب ولایت کبری و حقیقت مضمّر اعلی، باطن ارواح قدس و محرم بارگاه انس، حقیقت سرّ علی، حضرت حجت بن حسن العسکری - روحی و روح العالمین له الفداء -

امام المهدی حتی متی انت غائب فمنّ علینا یا ابانا برؤية

و درود بر اولیای الهی و محبان خاص ولوی که همگی گنجینه‌داران خزاین رحمت ایشانند.

یکی از بزرگ‌مردان به نام عرصه‌ی شهود و عرفان و مفتاح خزاین رحمت و ایقان، سرسپرده‌ی ولایت علوی جناب شیخ عبدالقادر گیلانی است که سلسله‌ی قادریه منسوب به اوست.

تولد و مولد

محبی‌الدین عبدالقادر بن ابی‌صالح موسی بن عبدالله بن یحیی جنگی دوست گیلانی (گیلانی) در یکم رمضان سال چهارصد و هفتاد و یک هجری قمری مصادف با بیست و دوم اسفندماه چهارصد و پنجاه و یک خورشیدی در گیلان زاده شد. در بحاثه‌ی الادب، ج ۳، ص ۴۹۴،

بعضی شیخ را از جیل بغداد دانسته‌اند نه جیلان که مغرب گیلان از سواحل دریای خزر است. چنان‌چه محمد قاسم فرشته در مقاله‌ی دوازدهم تاریخ خود در ضمن ترجمه‌ی شیخ معین‌الدین چشتی به مناسبتی گفته: «این جیل جایی پرفیض و هوایش در غایت اعتدال در تحت کوه جودی واقع شده و کشتی نوح علیه‌السلام در آن جا قرار گرفته و از بغداد هفت روزه راه است و شیخ محی‌الدین عبدالقادر از آنجاست. «طرائق الحقایق، ج ۲، ص ۴ - ۳۶۳،

نسب

نسب او بنا بر نوشته‌ی قاموس الاعلام و طبقات شعرانی و بعضی دیگر به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می‌پیوندد که به نوشته‌ی شعرانی سید عبدالقادر بن موسی بن عبدالله بن یحیی بن زاهد بن محمد بن داوود بن موسی بن عبدالله بن موسی الجون بن عبدالله محض بن حسن مثنی بن امام حسن مجتبی علیه السلام بوده است. «ریحانة الادب» ج ۳، ص ۴۹۴، بعضی هم گفته‌اند: اسم او اعجمی است (جنگی دوست) و با این نسبت سازگار نیست. بلکه این اسم می‌نمایاند که او از نژاد کرد یا دیلم ایرانی باشد. این سخن هم در هیچ سند تاریخی معتبری موجود نیست و دلیل بر رد این ادعا کوچ اجداد وی به طبرستان و سکنی گزیدن در آن بلاد بوده و این که ابی صالح موسی جنگی دوست به دلیل این که در گیلان می‌زیسته و علاقه وافر به جهاد داشته، مردم آن خطه که پارسی زبان بوده‌اند، وی را جنگی دوست خطاب نموده‌اند که این لقب مشهور گشته و این امر نمی‌تواند دلیل بر رد نسب وی باشد. پدرش سید موسی جنگی دوست فرزند سید عبدالله گیلانی بود. مخفی نماند که ابوصالح بنا بر مشهور کنیه‌ی موسی پدر شیخ عبدالقادر است ولیکن در طبقات شعرانی کنیه‌ی خود شیخ نوشته شده است. «ریحانة الادب» ج ۳، ص ۴۹۵، مادر وی ام‌الخیرامة الجبار فاطمة بنت ابوعبدالله صومعی است که از بزرگان مشایخ گیلان بوده است. «طرائق الحقایق» ج ۲، ص ۳۶۲،

کنیه و القاب

ابومحمد کنیه اوست و محیی‌الدین، غوث، غوث اعظم، غوث الثقلین، جنگی دوست باز الله و باز اشهب از القاب ایشان است. «ریحانة الادب» ج ۳، ص ۴۹۴،

کودکی

مادر وی گوید: «چون فرزند من عبدالقادر متولد شد هرگز در روز رمضان شیر نخورد و یک بار هلال ماه رمضان به جهت ابر پوشیده ماند. از مادر وی پرسیدند گفت: امروز عبدالقادر شیر نخورده است. آخر معلوم شد که آن روز رمضان بوده است.

خود وی می‌گوید: «خرد بودم روز عرفه به صحرا بیرون رفتم. دنبال گاوی گرفتم به جهت حرائت. آن گاو روی باز پس کرد و گفت: «یا عبدالقادر ما لهذا خلقت ولا بهذا امرت!» بترسیدم و باز گشتم. به بام سرای خود برآمدم حاجیان را دیدم که در عرفات ایستاده بودند. نزد مادر خود رفتم و گفتم مرا در کار خدای تعالی کن و اجازت ده تا به بغداد روم و به علم مشغول شوم و صالحان را زیارت کنم. از من سبب آن داعیه پرسید با وی گفتم. بگریست و برخاست و هشتاد دینار بیرون آورد که به میراث پدر من مانده بود. چهل دینار را برای برادر من گذاشت چهل دینار را در زیر بغل من در جامه‌ی من دوخت و مرا اذن سفر کرد و مرا عهد داد بر صدق در جمیع احوال و به وداع من بیرون آمد و گفت ای فرزند برو که برای خدای تعالی از تو ببریدم و تا قیامت روی تو را نخواهم دید. «نفحات الانس، ص ۵۰۷»

همان گونه که بیان گردید او از اوان کودکی فردی خاص بود و شخصیت منحصر به فردی داشت. او در زمان حکومت ملک‌شاه سلجوقی متولد شد. به سبب حمایت‌های ملک‌شاه و وزیرش خواجه نظام‌الملک اوج دوران شهرت علم بود. اما به دلیل کشمکش وارثان تخت شاهی پس از قتل ملک‌شاه و هم‌چنین ظهور فرقه‌ی نزاریه از اسماعیلیه به رهبری حسن صباح و جنگ‌های صلیبی و فتح بیت‌المقدس به دست مسیحیان، ثبات و آرامش زندگانی مردم از بین رفت. ناچار اهل علم را مجبور به مهاجرت از شهر و دیار خویش نمود. عبدالقادر مستثنی از این قاعده نبود.

جوانی و سفر به بغداد

او در سال چهارصد و هشتاد و هشت در سن هجده سالگی به بغداد رفت و با کوشش فراوان به علوم ادبی و فقه و حدیث نزد بزرگانی که در آن زمان متعین بودند مشغول گردید و به اندک زمان بر اقران خود فایقی آمد و از اهل زمان خود متمایز گشت. «نفحات الانس، ص ۵۰۸ و طرائق الحقائق، ص ۳۶۲» بعد از مدتی به وعظ و تدریس پرداخت و مجلس وعظ او محل ازدحام خاص و عام بود. به طوری که آوازه‌ی او عالم‌گیر شده و رئیس مذهب در دوران خود گشت. در تمام اوقات تحصیل با دسترنج خود امرار معاش می‌نمود. «ریحانة الادب، ج ۳، ص ۴۹۴»